

کیفیت اجزا در آثار او نه از یگانه بودن و خلوص شان بلکه از قدرت و تنشی که به وجود می‌آورند ناشی می‌شود، چرا که نظم معماری آلتو سرشار از تنش است. مقایسه او با معماران بزرگ دیگر نظریه مرا تایید می‌کند.

من چنین می‌اندیشم که می‌توان درس‌های زیادی را از جاودانگی معماری او فرا گرفت. جاودانگی آلتو همیشه مختص مکان و نحوه استفاده از آن است و توافقی است ما بین دسته‌ای از تضادها، ولی مشخصه‌ای ه بیش از همه چیز آلتو را دوست داشتنی می‌کند، این است که او درباره معماری چیزی ننوشت.

آموختن از آلتو¹

روبرت ونچوری

آثار آلوار آلتو در نزد من از تمام کارهای معماران بزرگ مدرن اهمیت بیشتری ارد. آثار وی پر تحریک‌ترین، برانگیزاننده‌ترین و غنی‌ترین منابع آموزشی فرم و فن آوری به شمار می‌آیند. من تمام کارهایی را که فراتر از زمان خود هستند دوست دارم. برای کارهای آلتو می‌توان تعبیر گوناگون یافت و هر تعبیری کم و بیش درست است. زیر آثاری با این یکفیت، دارای ابعاد گوناگون و مضمون‌های مختلفی است. در سال‌های 1940 و 1950 که من کار آموز معماری بودم، کارهای آلتو از نظر کیفیتی انسانی در سطح گسترده‌ای ستایش می‌شد. او با استفاده از پلان آزاد و به کار بردن چوب و اجر قرمز، نظمی منحصر به فرد به وجود آورد. در کار او مصالح سنتی معماری با فرم‌های ساده معماری مدرن تعریف می‌شوند. این اجرای ناهمگون در آثار او هماهنگی می‌یابند و به کیفیتی ساده و آرام می‌رسند. البته ساختمان‌های آلتو چندان ساده و بی‌پیرایه هم نیستند و تضادهای موجود در آنها نوعی تنش و پیچیدگی ایجاد می‌کند. امروزه آلتو به صورت آندراپالادیوی جنبش مدرن در آمده است، یک استاد ما نیست. پیچیدگی تضاد در کارهای آلتو، باعث می‌شود نظم قرار دادی معماری و تدثیر پلان فانتزی توضاع و یادمان در یک زمان دیده و شنند.

سیر تحول کارهای آلتو در طول زمان، در مقایسه با لوکوربوزیه و میس واندرووهه، تغییرات کمتری را نشان می‌دهند. اجرای معماری آلتو مانند پنجره‌ها، ستون‌ها، اتصالات، اثا و مصالح غیر از چوب و اجر، در فرم و ترکیب‌شان شکلی قراردادی دارند و در واقع، آنها از فرم‌های کویست دارند و در واقع، آنها از فرم‌ها صنعتی و نهاد معماری مدرن سرچشمه می‌گیرند.